

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۱۰ اپریل ۲۰۱۲

## رأی مردم در نظام جمهوری اسلامی بی ارزش است

«ولی فقیه یعنی جانشین امام معصوم، یعنی کسی که می‌خواهد حق را تعیین کند. او گاهی مصلحت می‌بیند، بگوید شما رأی بدهید... انتخابات ریاست جمهوری اعتبارش به رضایت اوست، مصلحت دیده که در این شرایط مردم رأی بدهند.»

آیت الله مصباح یزدی

به نظر ما تمام مقرراتی که در کشور اسلامی اجراء می‌شود، همه اعتبارش به امر ولایت فقیه و امضای اوست. اگر بدانیم در جایی در یک مورد راضی نیست، هیچ اعتباری ندارد... این که امام قانون اساسی را تصویب کرد؛ این یعنی من دستور می‌دهم اینگونه عمل کنید و اعتبار پیدا می‌کند، چون او امضاء کرده‌است، اگر امضاء نکرده بود، هیچ اثری نداشت. حتی اگر تمام مردم هم رأی می‌دادند هیچ اعتبار قانونی و شرعی نداشت، همانطور که خودش فرمود.»

آیت الله مصباح یزدی

«مردم هیچ مشروعیتی به حکومت فقیه نمی‌دهند، رأی و رضایت آنان باعث به وجود آمدن آن می‌شود... با این تحلیل، انتخابات زمینه‌ای برای کشف رهبری می‌شود، نه این که به او مشروعیت ببخشد.»

آیت الله مصباح یزدی

مروری بر همین نقل قولها نشان می‌دهد که دستگاه جابر جمهوری اسلامی برای رأی مردم و انتخابات تره هم خورد نمی‌کند. این است که از همان بدو امر همه انتخابات این رژیم فرمایشی و تقلبی بوده است. این ادعا که گویا انتخابات ۲۲ خرداد [جوزا] ۱۳۸۸ انتخاباتی دموکراتیک بوده که رأی مردم را احمدی نژاد و خامنه‌ای دزدیده‌اند، ادعائی کاذب است که افکار عمومی را به انحراف می‌برد. شعار "رأی مرا پس بده" شعاری گمراه کننده بود که مشروعیت این نظام را که گویا برخاسته از رأی مردم است، مورد تأنید قرار می‌داد. وضعیت انتخابات مجلس دهم نیز بهتر از آن نیست.

حتی هاشمی رفسنجانی عالیجناب خاکستری که به رأی مردم هرگز اهمیتی نداده است در مورد انتخابات اخیر هشدار می دهد و به نوشته روزنامه مردمسالاری، در دیدار با رئیس و اعضای جبهه مردم سالاری متذکر می شود: "اگر فضای انتخابات به گونه ای باشد که تربیون داران قصد زمین زدن رقیب را داشته یا مجریان و ناظران بخواهند با سلابق شخصی و جناحی و نیز سوء استفاده از بیت المال رقیب را از میدان به در کنند، نباید انتظار داشته باشند مردمی که ناظر صحنه هستند به تأیید اقدامات آنان بپردازند" و یا در جای دیگر: "اگر تنها رضای افراد و سلابق جناحها را در نظر بگیریم، به زمین خواهیم خورد". رفسنجانی مسأله اش مردم نیستند، بلکه خودی ها هستند و وی به صراحت طرح می کند که نگرانی اش از بابت از دست دادن قدرت سیاسی است.

انتخابات با نتایج معین از قبل، به اتمام رسید و هواداران علی خامنه ای ظاهراً اکثریت آراء را به دست آورده اند تا در مجلس فرمایشی نظریات "آقا" را به کرسی بنشانند. برنده دیگر این انتخابات آقای لاریجانی است که در مورد نزدیکی وی و خانواده اش به امپریالیسم انگلستان سخن می رود. به نظر می رسد که وی باید نامزد ریاست جمهوری بعدی بوده و به جای احمدی نژاد انتخاب شود.

از شواهد بر می آید که حتی در انتخابات فرمایشی و غیر دموکراتیک کنونی نیز "خودی ها" سر هم کلاه گذارده و در نتایج آراء یک دیگر دست برده اند. در آمل مردم به خاطر تقلب در انتخابات به اعتراض پرداختند. در گرمسار که خواهر احمدی نژاد، نامزد نمایندگی مجلس شده بود، برای تو دهنی زدن به احمدی نژاد رأی کافی نیلورد و احمدی نژاد را به یاد آراء کروی انداخت که در محل تولد خودش ۳ هزار رأی آورده بود، در حالی که انتظار عمومی بسیار بیشتر از آن بود. این اقدام احمدی نژاد در خرداد ۱۳۸۸ توهین مستقیم به کروی بود و حالا همان شتر در خانه احمدی نژاد نشسته است. احمدی نژاد چوب همان روشی را می خورد که خودش همیشه در انتخابات های قبلی به کار برده بود. کسی که به اصولیت خیانت کند روزی خواهد رسید که گریبان خودش را این خیانت خواهد گرفت و آنوقت دیگر زبان اعتراضی برای وی باقی نمی ماند.

انتخابات این دفعه فاقد شور و حال بود و حتی مردم نیز به خیابانها نیامدند تا از حقوق خود دفاع کنند. آنها در خانه ها ماندند تا نشان دهند آنها بی شمارند.

در انتخابات این دفعه بعد از بررسی نامزدهای نمایندگی توسط وزارت کشور، شورای نگهبان که وظیفه سانسور و تصفیه نامزدها و تقلب در انتخابات و حتی نتایج آن را به عهده دارد، "صلاحیت" بسیاری نامزدهای نمایندگی را که قبلاً "مصلح" بودند، به یک باره به عنوان فاقد صلاحیت رد کرد و تیغ تقلب را بر گردن انتخابات گذارد. طبیعتاً همه آن فاقدین اصول، که خود را "اصولگرا" می دانستند و تا کنون امضاء خویش را به زیر این روش گذارده بودند، دیگر نمی توانستند به این نقض آشکار دخالت گزینشی در انتخابات اعتراض کنند. شورای نگهبان تنها کسانی را به بازار انتخابات نمایشی فرستاد که "احراز صلاحیت" شده بودند.

رژیم جمهوری اسلامی این بار به شدت هراسان بود که شورش ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ تکرار شود. به این جهت از گرمای بازار انتخاباتی کاست و تنها هشت روز از چهارم تا دوازدهم اسفند، ۳۴۴۰ تن از افراد برگزیده خویش را فراخواند که طبق مقرراتی که دولت تعیین کرده بود خود را به مردم معرفی کنند و آنها را ترغیب و تشویق نمایند که در انتخابات شرکت کنند. اما همین تبلیغات انتخاباتی نیز مسخره و تحت نظارت بود. نوع تبلیغات به مجاز و غیر مجاز تقسیم شد. در فهرست اقدامات مجاز آوردند: "درج و انتشار مراتب حمایت مجامع و گروههای هر حوزه انتخابیه در آمار تبلیغاتی مجاز توسط نامزد نمایندگی به شرط وجود مستند مکتوب، تشکیل تنها یک ستاد تبلیغات انتخاباتی، نصب پلاکارد توسط اقشار، گروهها و احزاب و جمعیت ها فقط در جهت تشویق و ترغیب شرکت مردم

در انتخابات بدون درج اسامی داوطلبان، استفاده از آثار تبلیغاتی مجاز به صورت مشترک توسط نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، برگزاری اجتماعات با اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح، نصب آثار تبلیغاتی مجاز صرفاً در مکان‌هایی که از سوی شهرداری یا دهیاری تدارک دیده شده است".

در اینجا بحث حاکمیت بر سر حمایت از نامزدهای نمایندگی توسط مردم نیست. حتی لازم هم نیست که مردم نام نمایندگان را که شامل ۳۴۴۰ فرد برگزیده مجاز هستند و یا دارای سابقه "مثبت" فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی می‌باشند و دلایل صلاحیت آنها را بدانند. این افراد همه دستچین شده‌اند و لایتنییر و به این جهت تبلیغات را نباید روی افراد متمرکز کرد که خوب یا بد آنها قابل برگشت نیست. انتخاب آنها به مصداق "آتش کشک خالته، بخوری پاته، نخوری پاته" اجباری است و در حد اختیارات رهبر. به نظر حاکمیت "تشکیل تنها یک ستاد تبلیغات انتخاباتی، نصب پلاکارد توسط اقشار، گروه‌ها و احزاب و جمعیت‌ها فقط در جهت تشویق و ترغیب شرکت مردم در انتخابات بدون درج اسامی داوطلبان..." (تکیه از ماست-توفان) مجاز است. معنی این عبارات روشن است. حاکمیت به زبان بی‌زبانی می‌گوید که داوطلبان قبلاً تعیین شده‌اند و مهم نیست که شما نامشان را بدانید و یا ندانید و یا برایشان تبلیغ کنید و یا نکنید. انتخاب آنها صد در صد است، حتی اگر کسی در انتخابات شرکت نکند. مهم برای ما این است که نامزدهای نمایندگی دست چین شده‌ما، خود را در پشت شرکت وسیع مردم پنهان کنند، تا در ظاهر امر مشروعیت مردمی نیز به دست آورند. در اینجا سخن بر سر "شرکت وسیع تبلیغاتی مردم" است نه آزادی انتخابات. وزیر کشور اعتراف کرد که هدف از این نمایش انتخاباتی مصرف خارجی آن است و نه اهمیت دادن به رأی مردم. وی اظهار داشت: "حضور گسترده مردم در انتخابات دشمنان را زمینگیر ساخت". برای رژیم جمهوری اسلامی مهم نیست که از "حضور گسترده مردم در انتخابات" به درجه مشروعیت و وفاداری مردم ایران نسبت به جمهوری اسلامی برسد، بلکه مهم آن است که در افکار عمومی مردم جهان خود را نماینده ملت ایران جا بزنند.

آیت الله مصباح یزدی در این مورد کمی واضح تر سخن سر می‌دهد: «انتخابات از نظر ما دو فایده دارد؛ یکی این که با برگزاری آن و توجه به آرای مردم، آنها خود را در ایجاد حکومت دینی سهیم خواهند دانست و در نتیجه بیشتر و بهتر در حمایت از نظامی که به دست خودشان تحقق یافته، می‌کوشند و آنگاه آرمان‌های مهم حکومت دینی تحقق می‌یابد. فایده دیگر این است که امام راحل(ره) - بنیانگذار این نظام الهی - با تأکید بر اهمیت نقش مردم و آرای آنان مخالفان نظام را خلع سلاح کردند، زیرا آنها با تبلیغات مسموم خود قصد داشتند، نظام اسلامی را مستبد جلوه دهند، ولی هنگامی که آرای مردم در این نظام مورد احترام و اهتمام باشد، حربه مخالفان از کار خواهد افتاد.»

(منبع: مصباح‌یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، پانیز ۷۷، ص ۳۳.)

ما در اینجا از ذکر "عناوین غیر مجاز" که چند برابر "عناوین مجاز" است به علت فهرست طولانی آن صرفنظر می‌نمائیم، ولی اشاره می‌کنیم که تمام این صحنه سازی‌ها و ابزارها، به خاطر آن به کار گرفته می‌شود تا از شورش مردم و اعتراضات جلوگیری شود. رژیم هوادار شرکت وسیع مردم در انتخابات است تا این وسعت شرکت مردمی را وسیله عوامفریبی و تبلیغاتی خویش در ایران و جهان قرار دهد، ولی همین رژیم از شرکت وسیع مردم نیز می‌ترسد، زیرا می‌داند که اکثریت مردم ایران با این رژیم موافقتی ندارند. حضور وسیع مردم در انتخابات و حضور خیابانی آنها، که گویای قدرت مردم است، می‌تواند به صحنه‌های اعتراضی نسبت به رژیم بدل شود و نتایج عکس برای رژیم به بار آورد.

سخنگویان رژیم در تأیید این نمایش انتخاباتی، که مورد تأیید محمد خاتمی و علی اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان مخالفان ساختارشکنی رژیم نیز بود، مدعی شدند که از تقریباً ۴۸.۲۸ میلیون واجدین شرایط انتخاباتی ۶۴ درصد از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده اند. اگر همین ادعا را مبنای داوری قرار دهیم ۳۶ درصد مردم این انتخابات را تحریم کرده اند (یعنی ۱۷.۴ میلیون نفر).

رژیم از شرکت وسیع مردم در انتخابات صحبت می کند در حالی که ناظران انتخابات و شهود از تأثیر تحریم انتخابات حوزه های انتخاباتی و عدم حضور گسترده مردم در انتخابات سخن می رانند. در میان مردم آن حال و شور انتخاباتی دیگر وجود ندارد و به تقلبی بودن این بازی ها پی برده اند. ولی رژیم برای نمایشات بر شمرده و تبلیغات مورد نیاز باید تعداد موافقان خویش را بیش از نصف جمعیت ایران جلوه می داد تا برای خود یک نمای مشروعیت خلق کند و به امریکا و اروپا چنین جلوه دهد که گویا بیش از نیمی از جمعیت ایران هوادار رژیم جمهوری اسلامی هستند. البته رژیم می توانست این تعداد را به نود درصد هم برساند ولی با توجه به بی رونق بودن حوزه های انتخاباتی دستش زود رو می شد. همان ۶۴ درصد برایش کافی است.

روی صندوقهای اخذ رأی نوشته بودند: "میزان رأی ملت است". برای این که مردم را به صحت و مشروعیت انتخابات با موج وسیع تبلیغاتی قانع نمایند. حال آنکه همین ریاکاران در انتخابات سال ۱۳۸۸ مدعی بودند، که رأی مردم در مقابل اراده رهبر ارزشی ندارد و تئورسین آنها آقای مصباح یزدی می گفت: «انتخاب و مراجعه به رأی مردم از دیدگاه عقیدتی ما هیچ گاه مشروعیت آور نیست، تا با منفی شدن رأی عمومی، مشروعیت نظام باطل گردد.»

(منبع: مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش ها و پاسخ ها، ج ۱، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، پانیز ۷۷، ص ۳۲.)

در نظام جمهوری اسلامی مشروعیت هرگز مردمی نیست. البته در هیچ نظام مذهبی مشروعیت مردمی نیست. مردم فاقد اراده آزاد برای تصمیمگیری هستند و باید از جانب پروردگار و پیامبران وی رهبری شوند تا "گمراه" نگردند. همه رژیمهایی که نتوانسته اند دین را از حکومت جدا کنند با این مشکلات روبه رو هستند. حکومت آن دنیایی با حکومت این دنیایی در تناقض کامل قرار می گیرد. وقتی مشروعیت یک حکومتی از مردم آن کشور نیست، وقتی ولی فقیه برای مردم حقوقی قایل نیست و حرف آخر را می زند، وقتی ولی فقیه به عنوان مستبد و فعال مایشاء حق و تو دارد و به مردم توهین می کند، انتخاباتش نه تنها فرمایشی و ریاکارانه است زیرا نتایج آن برایش لازم الاجرا نیست بلکه رفتارش توهین مستقیم به مردم است. در چنین رژیمهایی هرگز نمی تواند انتخابات آزاد و دموکراتیک به وجود آید و هرگز هم در ایران وجود نداشته است. آن بخش از اپوزیسیون که همیشه با فراخواندن مردم به شرکت در انتخابات در تحکیم این رژیم و دادن مشروعیت به آن کوشیده است در بی احترامی و توهین به مردم به اندازه شخص ولی فقیه سهم است. برای انتخابات آزاد باید مقدماتی فراهم باشد که در رأس آن به رسمیت شناختن حقوق مردم قرار دارد. این حقوق از طریق احزاب و سازمانهای سیاسی و اتحادیه های کارگری و پذیرش تساوی حقوق زنان با مردان و آزادی همه زندانیان سیاسی و رفع سانسور و آزادی اجتماعات و... می تواند اعمال گردد. تا زمانی که این مقدمات فراهم نیست شرکت در انتخابات و تشویق مردم به شرکت در انتخابات دادن مشروعیت به رژیم است. وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی و دموکرات مبارزه برای رفع این تضییقات و تحقق این حقوق دموکراتیک است. تنها بعد از تحقق این حقوق است که می توان از مقدمات یک انتخابات آزاد سخن به میان آورد.

رژیمی که به صراحت می گوید به اصل جمهوری اعتقادی ندارد، برای مردم حقی به رسمیت نمی شناسد، سخنانی که بر زبان می راند مصلحت اندیشانه بوده و هر روز می شود آن را مانند جامه زیر تعویض کرد، رژیمی که سیاست ماکیاولیستی بخش جدائی ناپذیر از ماهیت آن است، طبیعتاً نمی تواند انتخابات آزاد برگزار کند. ببینید تئورسین آنها چه می گوید: «ممکن است سؤال کنید؛ پس چرا امام فرمود: «جمهوری اسلامی» و فرمود «اسلام» یا «حکومت اسلامی»؟ انتخاب واژه «جمهوری» برای نفی سلطنت بود... این رژیم در ادبیات سیاسی اسمش «جمهوری» است، اما نه جمهوری که در غرب است، «جمهوری دموکراتیک»، جمهوری که همه چیزش و اختیارش در دست مردم باشد و تابع آراء و هوس های مردم باشد؛ نه! جمهوری که محتوایش اسلام باشد. پس هدف برقراری اسلام در یک نظام حکومتی است که امروز وقتی سلطنتی نبود، اسمش «جمهوری» است؛ نه این که در کنار اسلام ما یک هدف دیگری به نام جمهوری داشته باشیم این تفکری است شرک آمیز.»

(منبع: مصباح یزدی، هفته نامه پرتو سخن، ۱۷ اسفند ۱۳۷۹)

معنی این اعترافات روشن است. به نظر خامنه ای و یزدی و همپالکی های آنان پذیرش اصل جمهوری یک اقدام تاکتیکی و نه اعتقادی بوده است. گزینش جمهوری برای آن بود تا مردم را فریب دهیم که مخالف سلطنت بودند و جایگزینی برایش جست و جو می کردند. انتخاب جمهوری همان مصلحت اندیشی اسلامی بود تا به موقع بز نیم زیرش.

از این روشن تر نمی شود حقوق یک ملتی را نقض کرد و از انتخابات آزاد سخن گفت. رژیم جمهوری اسلامی نمی فهمد و یا خود را به سفاکت می زند که می تواند با این روشها سر مردم و امپریالیستها و صهیونیستهای مکار و گرگان باران دیده را کلاه بگذارد. امپریالیستها آنقدر انتخابات قلبی در سراسر جهان برگزار کرده و سازمان داده اند، که با این ترندهای رژیم جمهوری اسلامی فریب نمی خورند.

تنها رژیمی می تواند از استقلال ایران دفاع کند و در مقابل زورگوئیهای امپریالیستها و صهیونیستها ایستادگی نماید که به مردمش تکیه دهد. هیچ مبارزه ضد امپریالیستی بدون مبارزه برای تحقق دموکراسی که زمینه بسیج مردمی است، ممکن نیست. رژیم جمهوری اسلامی اگر تسلیم مردم نشود، یا لقمه چپ امپریالیستها در انزوای کامل خواهد شد و یا باید طوق نوکری آنها را بپذیرد و به شیوخ عربستان سعودی و قطر تعظیم کند. راه دیگری وجود ندارد.

\*\*\*\*\*

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۵ فروردین ماه ۱۳۹۱ آوریل ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کار ایران

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).